

نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری زنان و مردان شهر تهران^۱

فریده خلیج آبادی فراهانی -

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۳)

چکیده

هدف این مقاله بررسی رابطه بین باورها و تقسیم کار جنسیتی در منزل با تمایلات و نیات باروری زنان و مردان ساکن شهر تهران است. این مقاله حاصل تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش مقطعی در بین ۹۲۰ زن و مرد سنین باروری است که دارای فقط یک فرزند زیر ۵ سال بوده و در ماه مرداد و نیمه اول شهریور ماه سال ۱۳۹۱، به پایگاه‌های بهداشتی دولتی جهت واکسیناسیون کودکان خود مراجعه کرده‌اند. روش نمونه‌گیری در پیمایش، سهمیه‌ای - خوشه‌ای است. نتایج تحقیق نشان داد که ترجیحات باروری در زنان و مردانی که نگرش‌های جنسیتی سنتی داشتند، بطور معنی‌داری بیشتر از افراد با نگرش‌های جنسیتی مدرن است. زنانی که همسران آنها سهم مهمی در کارهای منزل ایفا می‌کردند، بطور معنی‌داری ترجیحات باروری بیشتری داشتند. مدل‌های لگاریتم پواسون نشان داد نگرش جنسیتی سنتی، پس از کنترل اثر تحصیلات و اشتغال، فقط برای زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در ترجیحات بیشتر باروری دارد. همچنین، رابطه مستقیم و معنی‌داری بین وضعیت تقسیم کار جنسیتی در منزل و نیات باروری زنان وجود داشت. بر اساس نتایج، در راستای سیاست‌های تشویق باروری، افزایش مشارکت مردان در کارهای منزل و نگهداری از فرزند توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: نگرش جنسیتی، تقسیم کار جنسیتی، ایده‌آل باروری، نیات باروری، تهران.

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نویسنده با عنوان "هنجار، نگرش و رفتار تک فرزندی در سال ۱۳۹۱ در تهران" است که با حمایت موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت انجام شده است. نویسنده مقاله از سرکار خانم اعظم خوشنویس، کارشناس گروه جمعیت و سلامت موسسه مطالعات جمعیتی کشور که در تهیه مقاله همکاری فعال داشتند، تشکر و قدردانی بعمل می‌آورد.

- دانشیار گروه جمعیت و سلامت، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
farideh.farahani@psri.ac.ir faridehfarahani2@gmail.com

مقدمه

کاهش باروری در سه دهه اخیر در ایران در بین کشورهای آسیایی منحصر به فرد بوده، بطوریکه از سال ۱۳۸۵ در غالب مناطق ایران نرخ باروری پایین‌تر از حد جانشینی (۲/۱) تجربه شده است. در استان تهران، نیز نرخ باروری در سال ۱۳۸۵، در مقایسه با سایر استانها در پایین‌ترین سطح بوده است. برای پیشگیری از عواقب نامطلوب باروری زیر سطح جانشینی، کشورها سیاستهای تشویقی برای افزایش نرخ باروری و جبران پیامدهای باروری پایین را اتخاذ می‌کنند. اما اتخاذ سیاستهای جمعیتی مشوق باروری با شناخت دقیق عوامل زمینه‌ساز رفتارهای باروری میسر می‌گردد.

برخی از محققین بر این باور هستند که سیاستهای گذشته و حال مشوق باروری، لاقط در کشورهای غربی در حد وسیعی بی‌اثر بوده‌اند و طراحی سیاستهای موثر و مسئولانه، هنوز مستلزم انجام مطالعات دقیق‌تری است (مک دونالد^۱، ۲۰۰۰). زیرا اولاً در این جوامع به دلیل در دسترس بودن روشهای پیشگیری از باروری و کنترل آگاهانه باروری، فرزندآوری یک تصمیم آگاهانه و برنامه‌ریزی شده است (آجن و کلوباس^۲، ۲۰۱۳) و برای شناسایی سازوکار تصمیم‌گیری زوج‌ها برای فرزندآوری لازم است تا انگیزه‌های تصمیم‌گیری به درستی بررسی شوند و ثانياً از آنجا که تصمیم‌گیری زوج‌ها برای فرزندآوری متأثر از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی متنوعی در دوسطح خرد و کلان است، شناسایی عوامل موثر بر تصمیم‌گیری زوج‌ها و در نظر گرفتن این متغیرها در مدل‌های تحقیقی نیز مستلزم طراحی مدل‌های پیچیده و تحلیلی چند سطحی است.

از اوایل دهه ۱۳۹۰ در پاسخ به کاهش سریع نرخ باروری در ایران در سه دهه قبل، سیاستگذاران جمعیتی، سیاستهای جمعیتی مشوق باروری را در دستورکار قرار دادند. نرخ باروری پایین‌تر از حد جانشینی جمعیت، نشانگر آن است که سهم مهمی از زوج‌ها برای دوره بررسی، تک‌فرزند و یا بی‌فرزند بوده‌اند. مطالعه درباره قصد فرزندآوری، هنوز به دو دلیل به طور جدی پیگیری می‌شود: اول آنکه مطالعه قصد و نیت باروری به پیش‌بینی نرخ باروری آتی یک جامعه فرضی کمک می‌کند، دوم آنکه در جوامعی که بین تعداد فرزند ایده‌آل

1- McDonald

2- Ajzen & Klobas

و تعداد واقعی فرزندان هر خانوار تفاوت وجود دارد، مطالعه در باره قصد باروری، شناخت ما درباره عوامل موثر بر محقق نشدن ترجیحات اولیه و شکل‌گیری شکاف باروری را کامل‌تر می‌کند. زیرا همواره این سوال مطرح است که آیا سطح پایین باروری به واقع خواست و ترجیح مردم را منعکس می‌کند یا اینکه ممکن است که شماری از مردم فرزندان بیشتری از آنچه را که واقعا دارا هستند بخواهند، اما به دلایلی قادر نباشند ایده‌آلهای باروری خود را محقق کنند.

تفاوت بین نرخ باروری مشاهده‌شده و شمار مطلوب فرزندان (چسنایس^۱، ۱۹۹۹)، زمینه‌ای برای مطالعه سیاستگذاری خانواده را فراهم می‌سازد، بطوریکه اگر سازوکارهای مناسبی وجود داشته باشد که به زوج‌ها امکان آن را بدهد تا تعداد فرزندان را که ترجیح می‌دهند، به دنیا آورند، نرخ باروری افزایش خواهد یافت (گلدشتاین، لوتز و تستا^۲، ۲۰۰۳). به این ترتیب به نظر می‌رسد که بررسی عواملی که موجب میشود افراد ترجیحات باروری خود را در طول زندگی محقق کنند، به سیاستگذاری در جهت رفع موانع تحقق باروری مطلوب کمک می‌کند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی در دوسطح خرد و کلان بر نرخ باروری و تحقق ایده‌آلهای باروری اثر می‌گذارند: متغیرهایی نظیر افزایش تحصیلات زنان، افزایش نرخ مشارکت زنان در کار بیرون، تغییر در الگوهای شکل‌گیری خانواده و الگوهای پرورش فرزند، تغییر هنجارهای اجتماعی و ارزشهای فردی در باره نقش زنان. ایدئولوژی و نگرش‌های جنسیتی زن و مرد و دیدگاه زنان و مردان در زمینه شیوه مناسب تقسیم کار جنسیتی در منزل، یکی از متغیرهایی است که بطور بالقوه ممکن است بر تحقق ترجیحات باروری و نیات و رفتارهای باروری زوجین تاثیر گذارد.

مطالعات نشان داده است که در کشورهایی از اروپای مدرن که ایدئولوژی جنسیتی سنتی در زمینه تقسیم کار بین زن و مرد رواج داشته است، سطوح باروری بسیار پایین است، زیرا رواج ارزشهای محافظه‌کارانه در باره نقش زنان و به ویژه مادران، همه مسئولیتهای مدیریت خانه و امور فرزندان را بر عهده زنان می‌گذارد و اشتغال مادران در این جوامع با مضاعف شدن مسئولیت‌ها برای زنان همراه بوده که در نتیجه منجر به باروری پایین بخصوص در بین مادران شاغل می‌شود. مک‌نیکل با نقد مدل خانواده نهادی رایج در شماری از کشورهای

1- Chesnais

2- Goldstein & Lutz and Testa

اروپایی، تصویر جدیدی را برای خانواده پیشنهاد می‌کند و آن رویکرد برابری طلبی بین زن و مرد است. مطابق با این دیدگاه سه نوع وظیفه در خانواده باید انجام شود: کار در بیرون از خانه برای کسب درآمد، انجام امور منزل و وظیفه تغذیه، نگهداری و مراقبت از فرزندان. اما هیچ الزامی نیست که کدام همسر کدام نقش را انجام دهد. اصل زیربنایی احترام برابر به زن و مرد، برابری زن و مرد در تواناییها و منابع، و مشارکت برابر در امور اجتماعی با هدف پایان دادن به ارزش گذاری های مرد محورانه است (فریزر^۱، ۱۹۹۴).

از دو جهت باورهای جنسیتی می‌توانند بر ترجیحات و نیت باروری موثر باشند. فرض بر این است که زنانی که به تساوی دو جنس اعتقاد دارند، فردگرا تر بوده و بدنبال خود تحقق بخشی و فعالیت‌های اجتماعی مانند تحصیلات و اشتغال، تقاضای کمتری برای فرزندآوری دارند، لذا ترجیحات و نیت باروری کمتر دارند و برعکس. فرض دیگر در این مطالعه این است که زنانی که در کارهای منزل از کمک و حمایت همسر بهره بیشتری می‌برند، تمایل بیشتری برای فرزند آوری دارند، در مقایسه با زنانی که فرزند آوری را معادل با افزایش مسئولیتها در منزل دانسته و هیچ حمایتی از همسر در کارهای منزل متصور نیستند. البته این امر بیشتر در مورد زنان شاغل ممکن است دلالت داشته باشد. لذا یکی از فرضیه‌های مهم این تحقیق این است که زنانی که دارای نگرش جنسیتی برابر طلبانه هستند، تمایلات و قصد باوری پایین‌تری نسبت به سایر زنان دارند. همچنین زنانی که از همراهی و همکاری همسران خود در انجام کارهای خانه و نگهداری از فرزند خود برخوردار هستند، در مقایسه با سایر زنان متأهل از تمایلات و قصد باروری بالاتری برخوردار هستند.

در این راستا، مهمترین سوالاتی که ما در صدد پاسخ به آن هستیم عبارتند از: ۱) باورهای جنسیتی مردان و زنان تهرانی چه تفاوتی دارد و تقسیم جنسیتی کارهای خانه در بین زوج‌های تهرانی چگونه است؟ ۲) آیا رابطه معناداری بین تمایلات باروری^۲ و باورهای جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی در منزل مشاهده می‌شود؟ ۳) آیا رابطه معناداری بین قصد باروری^۳ و باورهای جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی در منزل در میان زنان و مردان تهرانی مشاهده می‌شود؟ ۴) آیا متغیرهای باورهای جنسیتی و تقسیم کارهای خانه، پس از کنترل اثر سایر متغیرهای همبسته

1- Fraser

2- Fertility ideals

3- Fertility intention

(نظیرسن، تحصیلات، اشتغال و هنجار درک شده باروری)، تمایلات و قصد باروری را تبیین می‌کنند؟

چارچوب نظری

زیر بنای این تحقیق بر سه رویکرد نظری "برابری جنسیتی"، "رفتار برنامه ریزی شده" و نظریه ریفرم و بروستر با عنوان "تقابل نقشهای زنان" استوار است. دیدگاه برابری جنسیتی مک دونالد در سال ۲۰۰۰، در سطح کلان تلاش می‌کند تفاوت باروری پایین در کشورهای مختلف اروپایی را توضیح دهد. بر اساس این دیدگاه نامتقارن بودن سطوح برابری جنسیتی در نهادهای آموزشی و اشتغال در بازار با خانواده در برخی کشورها می‌تواند منجر به باروری پایین در آن کشورها گردد. وی بر دیدگاههای جنسیتی و نقشهای جنسیتی به عنوان عامل کلیدی در تبیین نرخ باروری پایین تاکید می‌کند و اعتقاد دارد که اگرچه بسیاری از کشورها تلاش کرده اند که در حوزه های اجتماعی و اقتصادی نظیر آموزش و اشتغال، برابری جنسیتی ایجاد کنند، اما در نهاد خانواده، تفاوتهای زیادی در برابری جنسیتی آنها وجود دارد. او استدلال می‌کند در کشورهایی که برابری جنسیتی درون خانواده وجود دارد، نرخ های باروری بالاتر است. زیرا هزینه فرزندآوری برای زنان چندان بالا نیست. نه تنها مردان آنها نیز در مسئولیت کارهای خانه داری و مراقبت فرزند مشارکت می‌کند بلکه حمایت های سازمانی بیشتر برای مادران شاغل در نظر گرفته شده است زیرا سیاستهای اشتغال، تسهیلات مراقبت از فرزند، نظام آموزش برای نظامهایی سازمان‌یابی شده است که مدل برابری طلبانه‌تری از خانواده را دنبال می‌کنند. در مقابل در کشورهایی که در آنها نظام برابری طلبی به درون خانواده کمتر نفوذ یافته است زنان با انگیزش های مثبت کمتری برای فرزندآوری مواجه اند. همسران آنها در مشارکت در خانه داری و نگهداری کودک کمتر فعال هستند و آنها با موانعی در بیرون از خانه نیز مواجه می‌شوند زیرا نهادها نیز با مفروضات نان آور بودن مرد خدمات ارائه می‌دهند. در دو کشور اروپایی ایتالیا و هلند تئوری برابری جنسیتی بر نیات باروری آزمون شد. ایتالیا کشوری با تساوی جنسیتی کم، مشارکت بازار کار کم زنان، و باروری خیلی پایین است درحالیکه هلند، سطح تساوی جنسیتی متوسط تا بالایی داشته، مشارکت بالای نیمه وقت زنان در بازار کار، و در مقایسه باروری نسبتاً^{۱۱} بالاتری میباشد. مطالعه فوق نشان داد که تقسیم کار

جنسیتی نابرابر کار خانه بطور معنی داری فقط نیات باروری زنان را متأثر می‌کند بخصوص وقتی بار سنگینی از کار خانه بر دوش آنها است، این یافته بخصوص در مورد زنان شاغل در ایتالیا بطور شاخص دیده شد (میلز^۱ و همکاران، ۲۰۰۸) گرچه این دیدگاه نظری در سطح کلان به بررسی رابطه بین نگرش های جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی و باروری می‌پردازد، ولی ایده اصلی مقاله حاضر، تلاش می‌کند این دیدگاه نظری را در سطح خرد (فرد و خانوار) به آزمایش بگذارد

بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، قصد افراد برای داشتن یا نداشتن یک فرزند، تعیین‌کننده مهم رفتار باروری است که به واسطه سه نوع ملاحظات تعیین می‌شود. اول باورهای رفتاری هستند که به پیامدهای ادراک شده مثبت یا منفی داشتن یک فرزند و ارزشهای ذهنی این پیامدها اشاره دارند. دوم، انتظارات ادراک شده و رفتارهای گروههای مرجع مهم و انگیزش افراد برای تبعیت از آنها اشاره دارد (باورهای هنجاری). سوم باورهای کنترلی هستند که با حضور ادراک شده عواملی مرتبط هستند که می‌توانند بر توانایی یک فرد برای داشتن یک فرزند اثر بگذارند. در این تحقیق، قصد و نیات باروری و درک از هنجار باروری از این منبای نظری برگرفته شده است (آیزن و کلوباس^۲، ۲۰۱۳).

بر اساس دیدگاه نظری رینفورث و پروستر^۳ (۱۹۹۶)، تفاوت در ناهماهنگی نقش های تجربه شده از سوی مادران شاغل، توضیح دهنده تفاوتها در سطح باروری جوامع مختلف است. فرض زیر بنایی این نظریه آن است که درجه ناهماهنگی نقش، عامل واسطه در رابطه مشارکت در نیروی کار و باروری است. درجه ناهماهنگی بین کار و فرزندآوری خود تابعی است از تفاوتها در ماهیت کارها، تفاوتها در مسئولیت‌های خانواده و تغییر در سازمان اجتماعی مراقبت فرزند، یا همه این عوامل. هرچه نقش‌های مادری و اشتغال بیشتر ناسازگار باشند، تصمیمات زنان در باره شاغل بودن یا فرزندآوری را تغییر می‌دهد. پس تا جایی که اشتغال زنان به منزله محدود کننده باروری به شمار می‌رود، انتظار داریم که با هر تغییر مثبت و تسهیل‌گری در شرایط کار زنان، تعارض مادری و اشتغال کاهش یابد؛ نظیر تغییر در شرایط استخدامی مادران شاغل، دستمزدهای زنان، نرخ مالیات حقوق آنها، افزایش حقوق بر اساس رتبه فرزند(دوم و

1- Mills

2- Ajzen & Klobas

3- Rindfuss, Brewster

سوم)، پرداخت نقدی به ازای رتبه بالاتر فرزند، مرخصی با حقوق برای مادران، ایجاد امکاناتی مراقبتی برای نوزادان و فرزندان زیر ۶ سال، تاسیس مراکز دولتی نگهداری کودکان زیر ۵ سال با در نظر گرفتن سوبسیدهایی برای زنان شاغل. به این ترتیب اتخاذ سیاستهایی که تعارض کار و مادری را برای زنان شاغل کاهش دهد، هم در تشویق زنان شاغل برای فرزندآوری مهم است و هم سایر زنان شاغل را به ازدواج و فرزندآوری ترغیب می‌کند.

پیشینه تحقیق

عوامل مختلفی در تبیین باروری پایین در کشورها شناسایی شده‌اند. یکی از عوامل مورد توجه، هنجار، نگرش و نقش‌های جنسیتی است. نگرش یا ایدئولوژی جنسیتی، باورهایی هستند که به نقش‌های مناسب، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مردان و زنان در جامعه مرتبط‌اند (کوریگال و کنراد^۱، ۲۰۰۷). این مفهوم چند وجهی است و در حوزه‌های مختلف آموزش، اشتغال، سیاست، خانواده و جامعه به کار برده می‌شود.

به اعتقاد بولزندال و مایرز^۲ (۲۰۰۴)، نگرش‌های جنسیتی تابعی است از تبیین‌ها در زمینه منافع فردی و تبیین‌های مربوط به تاثیرپذیری از عوامل محیطی. منظور از منافع فردی، توجه به شرایطی است که افراد در آن اهداف فردی خود را دنبال می‌کنند. اگر برابری جنسیتی برای دستیابی به اهداف فردی افراد کمک کند، افراد بیشتر به برابری جنسیتی روی می‌آورند. منظور از عامل‌های محیطی، قرار گرفتن در معرض ایده‌ها و موقعیت‌هایی است که با ایده‌آل‌های برابری طلبی همراستا هستند. این امر ممکن است در فرآیند اجتماعی شدن، آموزش و تحصیل، یا تجربیات فردی محقق شود.

افراد نقش‌های جنسی و جنسیتی خود را در کودکی می‌آموزند و هویت جنسی خود را در طول زندگی خود می‌سازند. تفاوت دختران و پسران در انجام کارهای خانه در کودکی به عواملی نظیر مشارکت پدران در وظایف خانه، جایگاه شغلی پدر و نگرش‌های جنسیتی والدین مرتبط است. در دوره استقلال نوجوانی و جوانی نیز دختران انجام کارهای خانه و کارهای شخصی خود را امری طبیعی می‌بینند و پسران انجام آنها را امری تحمیلی. در دوره بزرگسالی، نگرش‌ها در باره ایدئولوژی جنسیتی بر ازدواج و تشکیل خانواده و نیز گسست آن، بر باروری و

1- Corrigan & Konrad

2- Bolzendahl & Meyers

زمان بندی فرزندآوری، بر روابط خانوادگی و شیوه تقسیم کار در خانه و مطلوبیت آن تاثیرگذار است. در جوامع غربی ایدئولوژی سنتی زنان با سن پایین تر آنها در اولین تجربه مادری مرتبط است (استورات^۱، ۲۰۰۳). ایدئولوژی جنسیتی برابرطلبانه موجب افزایش دوره زندگی مستقل زنان، تاخیر در ازدواج (و البته نه همباشی یا همخانگی) و به تعویق افتادن زمان اولین فرزندآوری می شود (کانینگهام، بوتل و باربر و تورنتون^۲، ۲۰۰۵).

بسیاری از محققان تاکید می کنند که پایداری نگرش جنسیتی سنتی و فقدان برابری جنسیتی در خانوار و خانواده، به ویژه در تقسیم کار خانه و مراقبت از فرزند، مانعی مهم در برابر افزایش نرخ باروری است. تقسیم کار خانه معمولاً با توجه به سهمی از کار خانه که توسط زنان انجام می شود، اندازه گیری می شود و این سهم به ایدئولوژی جنسیتی زن، مرد یا هر دو بستگی دارد. همچنین ممکن است بین ایدئولوژی زن و مرد در تعیین شیوه تقسیم کارهای خانه تعامل وجود داشته باشد. انتظار می رود مردانی که ایدئولوژی جنسیتی آنها کمتر سنتی است، سهم بیشتری از کارهای خانه را در مقایسه با سایرین بر عهده بگیرند.

کروسکا^۳ (۲۰۰۴) با بررسی شماری از مطالعات در این زمینه، نشان داد که ایدئولوژی جنسیتی مردان تعیین کننده مهمتری برای شیوه تقسیم کار منزل است تا ایدئولوژی زنان. همچنین نتایج مطالعه دیگر (نوردنمارک و نیمن^۴، ۲۰۰۳) نیز نشان داد که زنان سنتی کمتر از زنان غیرسنتی و برابرطلب، در باره نابرابری در تقسیم کارهای خانه احساس نامطلوبی دارند و ادراک ناخوشایند زنان برابر طلب نیز به درجه نابرابری در تقسیم کارخانه مرتبط است. در مطالعات زوجی گرینشتاین نشان داد که برای درک تقسیم کار جنسیتی در منزل، بایستی تعامل و تقابل بین ایدئولوژی جنسیتی زنان و همسران آنان را در نظر گرفت. از دیدگاه او، تقسیم کار جنسیتی یک مردی که با همسر سنتی ازدواج کرده است، متفاوت است از کسی که با همسر مدرن و تساوی طلب جنسیتی زندگی می کند (گرین اشتاین^۵، ۱۹۹۶).

عامل دیگری که در مطالعات کاهش باروری مورد توجه قرار گرفته، اشتغال زنان و افزایش سهم زنان در نیروی کار است. شماری از مطالعات رابطه منفی بین نرخ باروری و نرخ

1- Stewart

2- Cunningham, Beutel, Barber, & Thornton

3- Kroska

4- Nordenmark & Nyman

5- Greenstein

نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری ... ۱۰۳

اشتغال زنان در بازار کار را نشان می‌دهند و نرخ باروری پایین تر را برای زنان شاغل منعکس می‌کنند. اگرچه رابطه منفی الزاما نشانگر رابطه علی نیست، اما اندیشه زیربنایی این مطالعات آن است که فرزندآوری هزینه بر است و برای زنان شاغل امر جذابی نیست (راترفورد، اوگاوا و ساکاماتو^۱، ۱۹۹۶). در مطالعه‌ای در باره باروری پایین در ژاپن نیز مشاهده شد که حدود ۸۰ درصد از زنان تحصیل کرده‌ای که شغل خود را یا به دلیل ازدواج و یا فرزندآوری ترک کرده بودند، معتقد بودند که حفظ همزمان کار بیرون و انجام کار منزل، کاری ناممکن است (هیراوا^۲، ۲۰۰۶).

دی لات و سویلا سانز^۳ (۲۰۰۶) پیشنهاد کردند که انتظارات مشترک همسران در باره نقش جنسیتی، وضعیت مشارکت مردان در کارهای خانه را تعیین می‌کند. به نظر آنها در کشورهای شمال اروپا مشارکت فزاینده زنان در نیروی کار در دهه ۱۹۷۰ زمینه ساز مشارکت بیشتر مردان در کارهای خانه شد و رواج این فرهنگ، به زنان شاغل این امکان را داد تا فرزندان بیشتری به دنیا آورند و شغل خود را نیز حفظ کنند. اما در کشورهایی که پایین ترین حد باروری را داشتند، متفاوت بود. در این کشورها هنجارهای محافظه کارانه در باره نقش جنسیتی پایدار ماند و مانع آن شد تا مردان در کارهای خانه مشارکت کنند (سنز^۴، ۲۰۱۰). مشارکت زنان در نیروی کار و باروری زنان در این جوامع هم با فقدان کمک از سوی همسران آنها و هم با فقدان امکانات دیگری برای مراقبت از فرزندان مواجه بود (روسیر، کلمنتاین و همکاران^۵، ۲۰۱۱).

عامل دیگری که در مطالعات کاهش باروری توجه شده است ایدئولوژی جنسیتی مردان است. چا و تباد^۶ (۲۰۰۹) در بررسی چگونگی شکل‌گیری ایدئولوژی جنسیتی مردان در اثر شرایط اقتصادی پرداختند. به نظر آنها، مردانی که به تنهایی نان‌آور خانه اند، کمتر نگرش جنسیتی برابر طلبانه دارند در مقایسه با مردانی که غیرسنتی هستند. وضعیت نان‌آوری مردان و ایدئولوژی جنسیتی آنها از ترتیبات نهادی بازارهای شغلی متفاوت تاثیر پذیر است. بازارهای

-
- 1- Retherford, Ogawa, & Sakamoto
 - 2- Hirao
 - 3- De Laat & Sanz
 - 4- Sanz
 - 5- Rossier, Clementine, & et al.
 - 6- Cha & Thebaud

شغلی سنتی و دارای قواعد ورود و خروج سخت از توان بلند مدت مردان در ایفای نقش نان آور خانه حمایت می‌کنند، در حالی که بازارهای شغلی انعطاف پذیر و دارای امکان برای تغییر و ترک شغل و اشتغال کوتاه مدت، مردان را با تجربیاتی غیرسنتی مواجه می‌سازند. همچنان که مشارکت زنان در نیروی کار در دهه‌های گذشته افزایش یافته است، ایدئولوژی جنسیتی مردان نیز برابرطلبانه تر شده است. یک عامل موثر بر این امر این است که مردان به میزان بیشتری مسئولیت های نان‌آوری را با همسر خود به اشتراک می‌گذارند. تحقیق نشان داده است که مردانی که در خانواده های دو درآمدی زندگی می‌کنند یا از نظر اقتصادی به همسر خود وابسته اند، به طرز معناداری بیش از دیگران ایدئولوژی جنسیتی برابرطلبانه را بروز می‌دهند (ویلکی^۱، ۱۹۹۳؛ زو^۲، ۲۰۰۴).

در ایران مطالعه‌ای بطور مستقیم رابطه بین نگرش‌های جنسیتی را با رفتارها و نیت باروری بررسی نکرده است. مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۱ بر روی ۸۷۱ زن و مرد در شرف ازدواج نشان داد که باورهای جنسیتی تساوی طلبانه، یکی از عوامل تعیین کننده قصد تک فرزندی در آنان است (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۲). ولی مطالعات دیگر در مورد تعارض کار و وظایف و نقش زن در خانه در ایران انجام شده است. بعنوان مثال، توسلی (۱۳۸۲) در پیمایشی با هدف بررسی تعارضهای کار زن در خانه و بیرون، نشان داد که اکثریت زنان شاغل، که سهم مهمی از آنها دارای تحصیلات عالی (۵۱ درصد دارای تحصیلات عالی و ۳۴ درصد دیپلمه) نیز بودند، اولویت بالاتری برای نقش خود در منزل قائل بودند تا برای اشتغال خارج از خانه و نقش نان‌آوری را به مرد نسبت دادند. تنها ده درصد از زنان، نگاه غیر سنتی به نقش زنان داشتند. همچنین این مطالعه نشان داد که اکثریت زنان به میزان متوسط به تعدیل نقش های زن و مرد در خانه گرایش نشان دادند و خواستار مشارکت مردان در امور خانه بودند. این یافته ها دلالت بر تغییر دیدگاه سنتی نقش زن و مرد به موازات توسعه اشتغال زنان در بیرون از خانه و کسب درآمد برای خانواده می‌باشد، اگرچه این موضوع یک فرایند طولانی است. همچنین این بررسی نشان داد که بیشتر زنان (۵۷ درصد) در حد متوسطی تعارض نقش‌ها را احساس کرده‌اند. همچنین، رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۴) به منظور بررسی رابطه بین تعارض کار و

1- Wilkie
2- Zuo

نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری ... ۱۰۵

خانواده با باروری زنان شاغل در آموزش و پرورش شهرستان یزد، پیمایشی بر روی ۳۵۱ زن شاغل در سال ۱۳۹۳ انجام دادند و نشان دادند که تعارض کار و خانواده در بین زنان، در حد متوسط وجود داشت بطوریکه زنان شاغل خود را ملزم به انجام هر دو نقش می‌کردند. ولی برای انجام کارهای خانه نیازمند وقت و انرژی بیشتری بودند. بین تعداد فرزندان و تعارض کار و خانواده رابطه منفی معنی داری وجود داشت. زنان تک فرزند، بیشترین تعارض کار و خانواده را داشتند. تحلیل چند متغیره این مطالعه نشان داد که طول مدت زناشویی و پست سازمانی، شدت تاثیر تعارض کار و خانواده را بر باروری کاهش می‌دهد. در مطالعات فوق، نقش تقسیم کار جنسیتی در منزل و دیدگاه جنسیتی خود و همسر را در احساس تعارض بین کار و خانواده و رفتار باروری در نظر گرفته نشده است که مقاله حاضر تا حدودی در ادامه تحقیقات فوق، خلا فوق را پر خواهد کرد.

در همین راستا، مقصودی و بستان (۱۳۸۳) در پیمایش خود بر روی ۲۶۰ زن متاهل شاغل در ادارات دولتی شهر کرمان به بررسی مشکلات ناشی از هم زمانی نقش‌های خانوادگی و اجتماعی پرداخت. مطالعه فوق نشان داد که ۵۴ درصد زنان در حد زیاد و متوسط با مشکلاتی در زمینه تعارض نقش‌های مورد انتظار مواجه هستند و عوامل مربوط به پست سازمانی، میزان ساعات کار و درآمد رابطه‌ای با میزان مشکلات احساس شده، نداشت. عباسی شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) در مطالعه پیمایشی خود در باره تاثیر عواملی چون استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان ساکن در شهر سیرجان بر تمایل آنها به فرزندآوری ملاحظه کردند که متغیرهای تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی آنها در تبیین گرایش به رفتار باروری زنان نقش دارد و متذکر شدند که لازم است تا سیاست‌های جمعیتی زمینه هماهنگی بیشتر بین فرزندآوری و تدوام فعالیت زنان در حوزه آموزش عالی و امور اجتماعی را فراهم آورد.

مطالعات قبلی به اهمیت عوامل اقتصادی و فرهنگی در کاهش رفتار باروری رسیده‌اند و کمتر بر نگرش‌های جنسیتی و تقسیم کار پرداخته‌اند. برخی مطالعات با هدف بررسی نقش عوامل مختلف در نگرش به باروری و رفتار باروری انجام شده‌اند. پیمایشی با هدف بررسی نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین و تاثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی و هویت شناختی- جسمانی را بر نگرش خانواده‌ها به فرزندآوری نیز نشان داد که عوامل اقتصادی بیش از سایر عوامل در تبیین نگرش خانواده‌ها به فرزندآوری سهم دارد

(موسوی و قافله‌باشی، ۱۳۹۲). در حالیکه مطالعات دیگری نقش عوامل فرهنگی را با کاهش باروری بررسی نمودند. رستگارخالد و محمدی (۱۳۹۴) در یک تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، به سهم تغییرات فرهنگی دهه‌های اخیر در ایران نظیر رشد فردگرایی، تغییرات مذهبی، رشد سکولاریسم و دگرگونی ارزشهای خانوادگی در بروز تغییرات نرخ باروری در مراکز استانهای ایران پرداختند و نشان دادند که در استانهایی که سطح دینداری بالاتر و سکولاریسم و فردگرایی کمتر است توجه به ارزشهای خانوادگی بیشتر و نرخ باروری نیز در آن بالاتر است و برعکس. نقش تغییرات ارزشی و نگرشی در فرزندآوری در سایر مطالعات نیز نشان داده شد (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۱).

در پیشینه مطالعات، کمتر از هر دو دیدگاه خرد و کلان برابری جنسیتی در یک بررسی استفاده شده است و همچنین خلا اطلاعاتی مهمی در زمینه نقش باورهای جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی در ایده آل، نیات و رفتارهای باروری در هر دوی زنان و مردان در ایران وجود دارد. این مقاله با رویکرد خرد در ادامه بحث در مورد نقش‌های جنسیتی سنتی و تساوی طلبانه و ارتباط آن با باروری با تمرکز بر نگرش زنان و مردان به تساوی جنسیتی و فرزندآوری تهیه شده است.

روش تحقیق و داده‌ها

مقاله حاضر یک تحلیل ثانویه از داده‌های تحقیقی است که با هدف بررسی هنجار، نگرش و رفتار تک فرزندی در سال ۱۳۹۱ در تهران انجام شده است (خلج‌آبادی‌فراهانی و سرایی، ۱۳۹۱). تعداد ۹۲۰ نفر از زنان و مردان سنین باروری که دارای فقط یک فرزند زیر ۵ سال بوده و در ماه مرداد و نیمه اول شهریور ماه سال ۱۳۹۱، به پایگاه‌های بهداشتی دولتی جهت واکسیناسیون کودکان خود مراجعه کرده بودند، به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای خوشه‌ای وارد این تحقیق شدند. جامعه آماری زنان و مردان مراجعه‌کننده به مراکز واکسیناسیون در مرداد و شهریور ۹۱ است. کلیه پایگاه‌های بهداشتی (تعداد ۷۴ پایگاه) وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی و تهران که در سطح شهر تهران به ارائه خدمات واکسیناسیون کودکان می‌پردازند، به سه منطقه شمال و شمال غرب (۲۱ مرکز)، شرق (۲۲ مرکز) و در نهایت جنوب (۳۱ مرکز) تقسیم شده‌اند. مناطق ۲۲ گانه شهرداری به طور قراردادی به ۴ بخش زیر تقسیم

نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری ... ۱۰۷

گردید. ۱. شرق و جنوب شرق (شامل مناطق ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵). ۲. جنوب (شامل مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰): ۳. شرق و شمال شرق (شامل مناطق ۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸) و ۴. غرب، شمال و جنوب غرب (شامل مناطق ۲، ۵، ۹، ۱۸، ۲۱، ۲۲). در هر یک از بخش های ۴ گانه فوق، سهم مراکز واکسیناسیون موجود در هر بخش نسبت به کل تهران محاسبه شد و متناسب با سهم هر بخش، از آن بخش تعدادی منطقه انتخاب شد و در مناطق انتخابی، تعدادی مرکز بصورت هدفمند انتخاب گردید، بطوریکه پوشش جغرافیایی منطقه فوق را تامین نماید. بدینوسیله تعداد ۱۶ مرکز بهداشتی انتخاب گردید. متناسب با سهم مراجعین روزانه هر مرکز در یک روز، سهم نمونه هر مرکز مشخص شد. در برخی مراکز که بدلیل عدم همکاری مراکز نمونه کمتر دریافت شدو یا بدلیلی بیش از تعداد مورد نظر دریافت گردید با استفاده از درصد وزن دهی متناسب با سهم مراجعین هر مرکز از کل، در مرحله تحلیل وزن دهی شده است، به طوری که نسبت نمونه گرفته شده از هر مرکز در نسبت محاسبه شده برای تعدیل ضرب شده تا وزن کافی به مراکز متناسب با میزان مراجعین روزانه آنها داده شود و نتایج قابل تعمیم به افراد مراجعه کننده به مراکز فوق در شهر تهران باشد.

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پیمایش، پرسشنامه محقق ساخته شامل ۷۱ سؤال و گویه بود که در قالب ۷ بخش مجزا ارائه شده بود. بخش اول، شامل مشخصه های فردی و سابقه زناشویی حاوی ۷ سؤال، بخش چهارم، نگرش در خصوص موضوعات مربوط به فرزندآوری شامل ۲۰ گویه، بخش پنجم، نگرش و رفتارهای جنسیتی حاوی ۴ گویه، بخش ششم، هنجارها، شامل ۲ گویه و بخش هفتم، قصد و تمایل فرزندآوری و کنترل باروری شامل ۲۰ سؤال در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

با انجام پایلوت بر روی ۹۲ نفر، ابزار پیمایش و مشکلات کار میدانی شناسایی شده و اصلاحات لازم اعمال گردید. پس از توصیف داده های فوق، روایی سازه و پایایی درونی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ برای همه مقیاس های ابزار بررسی شد و گویه هایی که با حذف آنها موجب ارتقای آلفای کرونباخ می شد، حذف شدند. در این بررسی، عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی گویه ها آلفای ۰/۷ (خوب) به بالا داشت. روایی صوری ابزار با بررسی پرسشنامه توسط هشت نفر از متخصصین جامعه شناس، علوم بهداشتی و جمعیت شناس بررسی گردید. همچنین مشکلات پرسشنامه از نظر سادگی، قابل فهم بودن و روانی با

پیش‌آزمونی با تکمیل توسط ۱۰ نفر برطرف گردید. تعداد ۱۰ پرسشگر، با این تحقیق همکاری نمودند تحصیلات پرسشگران، کارشناسی ارشد و کارشناسی در یکی از رشته‌های علوم اجتماعی و جمعیت‌شناسی بوده که آموزش‌های لازم جهت نمونه‌گیری و انجام پرسشگری در یک جلسه ۲ ساعته را گذراندند.

در این تحلیل ثانویه، متغیرهای وابسته عبارتند از "ترجیحات باروری" یا عبارتی تعداد فرزندان مطلوب و ایده‌آل از نظر فرد در طول زندگی. شاخص فوق بر اساس سوال زیر ساخته شده است " شما ترجیح می‌دهید چند فرزند در طول زندگی داشته باشید؟" و متغیر وابسته دوم عبارت است از "نیات باروری" یا همان تعداد فرزندان قصد شده در طول زندگی که بر اساس پاسخ به سوال "شما قصد دارید چند فرزند در طول زندگی داشته باشید؟" سنجش می‌شود، که متغیر کمی گسسته است. متغیرهای مستقل عبارتند از:

۱. باورهای جنسیتی (نگرهای فردی در باره مشارکت مردان و زنان در کار بیرون برای کسب درآمد و نیز در کارهای خانه) هم در سطح فردی و هم زوجی. این متغیر به صورت طبقه بندی در نظر گرفته شده است و مقولات آن عبارتند از: الف) باور به اینکه تنها مردان باید در بیرون کار کنند (نگرش سنتی)، ب) هم مرد و هم زن در بیرون برای درآمد کار کنند اما زنان نیمه وقت کار کنند (نگرش جنسیتی بینابینی) و ج) هر دو هم بیرون از منزل و هم درون خانه به طور برابر کار کنند (نگرش جنسیتی برابرطلبانه). ۲. وضعیت تقسیم کار جنسیتی در در زمینه امور منزل و نگهداری از فرزند: این متغیر سه طبقه را شامل می‌شود: الف) من غالب کارهای خانه را انجام می‌دهم، ب) من و همسر به طور برابر کارهای خانه را انجام می‌دهیم، ج) همسر غالب کارهای خانه را انجام می‌دهد. متغیرهای زمینه‌ای عبارت بودند از سن، تحصیلات، اشتغال، "هنجارهای باروری در خانواده و جامعه". متغیر "هنجار باروری در خانواده" منظور درک فرد از تعداد فرزند عادی در خانواده است که بر اساس سوال "چه تعداد فرزند در خانواده شما عادی محسوب می‌شود؟" و "هنجار باروری در جامعه" منظور تعداد درک فرد از تعداد فرزند عادی در جامعه است که بر اساس سوال "چه تعداد فرزند در جامعه عادی محسوب می‌شود؟" سنجش شده است و گزینه‌ها شامل "یک فرزند، بین یک یا دو فرزند، سه فرزند، چهار فرزند، پنج و بیشتر" است، متغیر کیفی رتبه‌ای است.

داده‌ها پس از توصیف با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل واریانس و مدل لگاریتم خطی پواسون مورد تحلیل ثانویه قرار گرفتند (همچنین با توجه به ماهیت داده‌های این پژوهش که ترجیحات باروری، نگرش جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی خود فرد و همسر فرد مورد پرسش قرار گرفته بود، تحلیل زوجی انجام شد). بطوریکه بر اساس پاسخ‌های افراد به دو سوال متناظر، متغیرهای زوجی ساخته شد که بر اساس آن تحلیل زوجی انجام شد، بدین صورت که اگر هم فرد و هم همسر نگرش سنتی به اشتغال داشتند در طبقه زوج سنتی قرار گرفتند و اگر یکی از دو نفر، سنتی و دیگری غیر سنتی بود، زوج تا حدی غیر سنتی و اگر هر دو غیر سنتی بودند، زوج تساوی طلب نامیده شده و طبقات تشکیل شده و مورد تحلیل قرار گرفتند. در خصوص نیت و ترجیحات باروری (تعداد فرزند ایده‌آل)، در مورد خود فرد سوال شد ولی در قالب سوال دیگر، در صورت هماهنگی با همسر، نیت باروری پرسش شد. لذا با این فرض، نیت باروری فرد، با نیت باروری زوج سازگار فرض گردید. در خصوص هنجار نیز با فرض اینکه خانواده و جامعه فرد و همسر همسان است، هنجار خانواده و جامعه فرد با همسر سازگار مفروض گردید. متغیر تابع در تحلیل زوجی با توجه به پرسش از پاسخگو در باره ترجیحات باروری خود و همسر ساخته شده است. به دلیل وجود همبستگی بالا بین شمار فرزندان مطلوب فرد و همسرش، متغیر جدیدی به صورت مجموع شمار فرزندان مطلوب برای هر زوج ساخته شده است.

تحلیل زوجی با داده‌های موجود، به سه دلیل حائز اهمیت است: اول، در باره متغیرهای زمینه‌ای اطلاعات کاملی از خصوصیات همسران (هم در مورد پاسخگویان مرد و هم پاسخگویان زن) وجود داشت. دوم، متغیر تابع نیز با توجه به داده موجود در باره ترجیحات باروری همسر و همبستگی بالای ترجیحات باروری هر فرد با همسرش قابل بازسازی بود. سوم، با توجه به تفاوت مهمی بین ترجیحات باروری خانواده‌های سنتی (زن خانه‌دار) و خانواده‌های غیرسنتی (زن شاغل)، نقش و اهمیت متغیر واسطی به نام الگوی تقسیم کارهای خانه، تحلیل زوجی حایز اهمیت است.

یافته‌ها

در تحلیل ثانویه نمونه مورد بررسی (۹۲۰ نفر، ۵۶۰ زن و ۳۶۰ مرد)، میانگین سنی زنان و مردان، به ترتیب ۲۷/۶ سال و ۳۱ سال بود. حدود نیمی از زنان، ۲۵ تا ۲۹ ساله بوده و نیمی از مردان در سنین ۳۰ سال و بالاتر قرار داشتند. متوسط سالهای تحصیلی در مردان، ۱۲/۹ سال و در زنان ۱۲/۵ بود. تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم در زنان بیشتر از مردان و برعکس تحصیلات لیسانس و بالاتر در مردان بیشتر از زنان بود. نزدیک به دو سوم زنان (۶۳٪)، خانه‌دار بوده و ۲۸/۷ درصد آنها به صورت تمام یا نیمه وقت به کار در بیرون از منزل اشتغال داشتند. در حالی که ۷۴ درصد مردان، به طور تمام وقت و ۱۵ درصد به طور نیمه وقت شاغل بودند. حدود ۹۲ درصد از زنان اظهار کردند که همسر آنها به طور تمام یا نیمه وقت در بیرون از منزل به کار اشتغال دارند. سهم اشتغال تمام یا نیمه وقت همسر پاسخگویان مرد کمتر از ۳۰ درصد است.

نگرش جنسیتی به تفکیک زنان و مردان

نگرش تقسیم کار جنسیتی در زنان و مردان تفاوت معنی داری نداشته ولی ۴۸ درصد از مردان و ۴۴ درصد از زنان با شیوه سنتی تقسیم کار یعنی خانه دار بودن زن و شاغل بودن مرد موافق بودند.. ۵۴ درصد از پاسخگویان زن اظهار کرده اند که نگرش همسر آنها در این زمینه سنتی است. در حالی که سهم پاسخگویان مردی که اظهار کرده‌اند دیدگاه همسر آنها در این زمینه سنتی است، کمتر است. برعکس سهم همسران برخوردار از نگرش غیر سنتی و تساوی گرایانه در بین مردان، بیش از دو برابر از زنان است (۲۴ درصد در برابر ۱۱/۶ درصد). اگرچه زنان و مردان در این تحقیق رابطه همسری با هم نداشته‌اند، ولی این یافته ممکن است نشانگر آن باشد که بطور کلی مردان و زنان برداشت‌های متفاوتی از نگرش جنسیتی همسران خود دارند. در زمینه وضعیت تقسیم کار فعلی در منزل، نتایج نشان می‌دهد که از دید هر دو گروه زنان و مردان، مسئولیت بیشتر کارهای مربوط به انجام امور منزل و نگهداری از کودک بر عهده زنان است.

نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری ... ۱۱۱

جدول ۱. خصوصیات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان به تفکیک جنس (%)

| متغیر | زن (تعداد = ۵۶۰) | مرد (تعداد = ۳۶۰) | سطح معناداری |
|-------------------|--------------------------------|----------------------|--------------|
| سن | کمتر از ۲۵ سال | ۲۶/۱ | ۶/۹ |
| | ۲۵ تا ۲۹ سال | ۴۹/۲ | ۴۲/۸ |
| | ۳۰ سال و بالاتر | ۲۴/۷ | ۵۰/۳ |
| تحصیلات | کمتر از دیپلم | ۲۴/۲ | ۲۳/۷ |
| | دارای دیپلم یا فوق دیپلم | ۵۲/۰ | ۴۱/۰ |
| | دارای لیسانس یا مدارک بالاتر | ۲۳/۸ | ۳۵/۳ |
| وضعیت اشتغال فرد | شاغل تمام وقت در بیرون از منزل | ۹/۵ | ۷۴/۰ |
| | شاغل نیمه وقت در بیرون از منزل | ۱۹/۲ | ۱۵/۰ |
| | دانشجو و دانشجوی شاغل | ۸/۴ | ۸/۶ |
| | بدون شغل یا خانه دار | ۶۳/۰ | ۲/۷ |
| وضعیت اشتغال همسر | شاغل تمام وقت در بیرون از منزل | ۷۷/۰ | ۱۲/۰ |
| | شاغل نیمه وقت در بیرون از منزل | ۱۴/۷ | ۱۷/۰ |
| | دانشجو و دانشجوی شاغل | ۳/۴ | ۹/۷ |
| | بدون شغل یا خانه دار | ۴/۹ | ۶۱/۰ |
| درصد | ۱۰۰ | ۱۰۰ | - |

رابطه نگرش و تقسیم کار جنسیتی با ترجیحات باروری

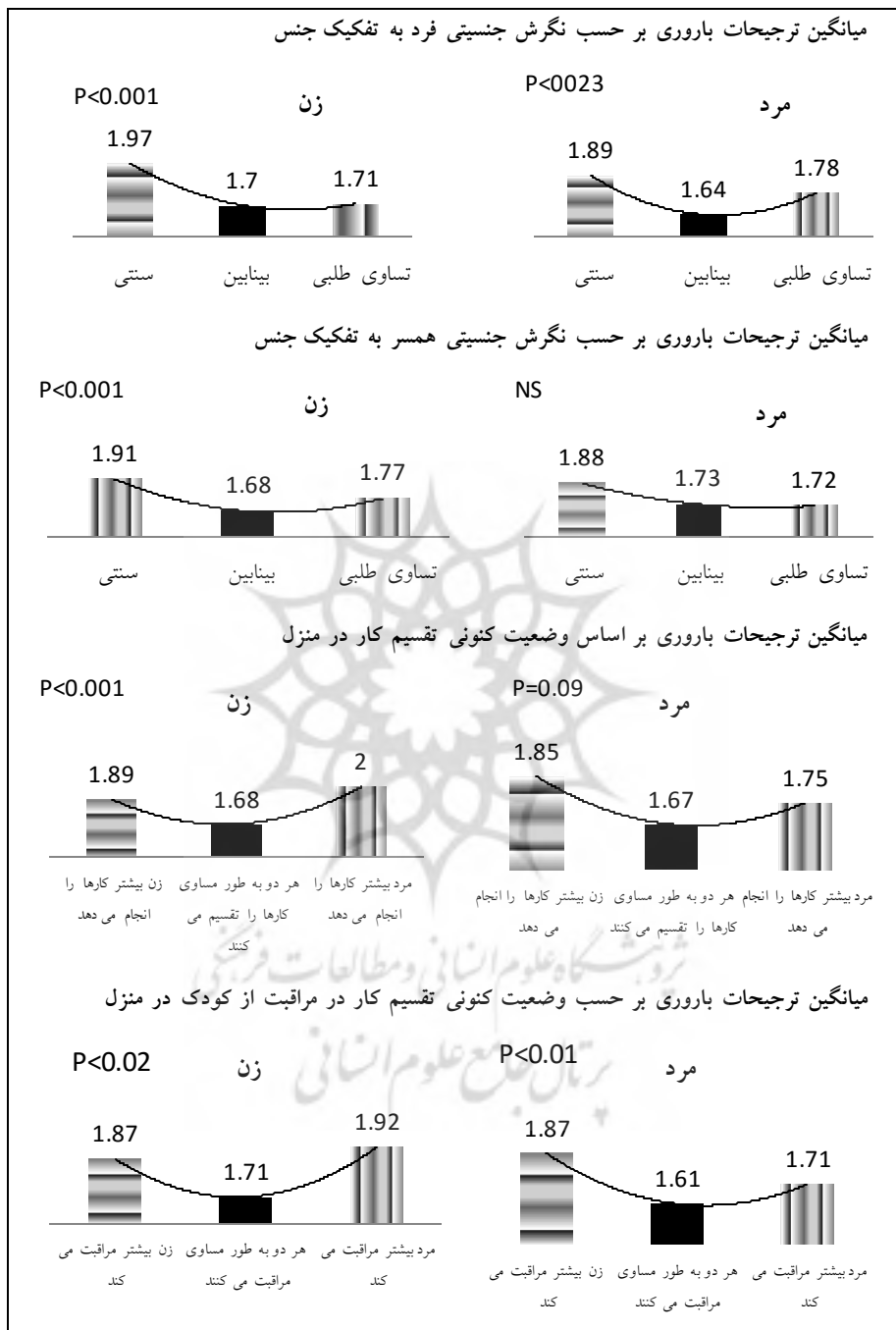
یافته‌ها نشان داد که ترجیحات باروری زنان و مردانی که از نگرش سنتی در زمینه تقسیم کار جنسیتی برخوردار هستند (زن خانه دار باشد و مرد در بیرون کار کند) بیشتر از زنان و مردانی است که نگرش غیر سنتی دارند، مثلاً موافق اشتغال زنان به صورت نیمه وقت و یا اشتغال آنها به صورت برابر با مردان هستند. در مورد متغیر نگرش همسر نیز یافته‌ها، گویای آن است که زنانی که دیدگاه همسر خود را در زمینه تقسیم کار جنسیتی، سنتی ارزیابی می‌کنند از

ترجیحات باروری بالاتری در مقایسه با دیگر زنان برخوردارند (۱/۹) فرزند در برابر ۱/۶۸ و ۱/۷۷ فرزند). در حالی که ترجیحات باروری مردان با این نگرش ارتباط معنی داری را نشان نداد. همچنین یافته‌های تحلیل دو متغیره نشان داد که ترجیحات باروری زنانی که همسر آنها مشارکت حداکثری در امور منزل دارد (در منزل بیشتر کارها را اعم از امور منزل و یا امور مربوط به نگهداری از کودک انجام می‌دهد) کمی بیشتر از ترجیحات باروری زنانی است که خود بیشتر کارها را انجام می‌دهند. این یافته ممکن است گویای آن باشد که مشارکت مردان در امور منزل و نگهداری از فرزندان، با افزایش ترجیحات باروری زنان رابطه مستقیم دارد. هرچند بعلت نمونه کم در این گروه با مشارکت حداکثری مرد در منزل، نتیجه گیری با قطعیت همراه نیست.

جدول ۲. نگرش جنسیتی پاسخگویان و همسر آنها و وضعیت تقسیم کار در خانه به تفکیک جنس

| سطح معناداری | جنس | | متغیرهای جنسیتی |
|--------------|------|------|---|
| | مرد | زن | |
| ۰/۱۵ | ۴۸/۲ | ۴۴/۰ | نگرش فرد در مورد تقسیم جنسیتی کار بین زن و مرد فقط مرد کار کند و زن خانه‌دار باشد (تقسیم کار سنتی) |
| | ۳۲/۸ | ۳۹/۱ | هر دو کار کنند، ولی زن نیمه وقت کار کند (تقسیم کار بینابین) |
| | ۱۹/۰ | ۱۶/۹ | مشارکت برابر دو جنس در کار منزل و کار بیرون (تساوی گرایانه) |
| <۰/۰۰۱ | ۳۶/۹ | ۵۴/۳ | نگرش همسر در مورد تقسیم جنسیتی کار بین زن و مرد فقط مرد کار کند و زن خانه دار باشد (تقسیم کار سنتی) |
| | ۳۹/۲ | ۳۴/۱ | هر دو کار کنند، ولی زن نیمه وقت کار کند (تقسیم کار بینابین) |
| | ۲۳/۹ | ۱۱/۶ | مشارکت برابر دو جنس در کار منزل و کار بیرون (تساوی گرایانه) |
| <۰/۰۰۱ | ۳/۳ | ۶۲/۲ | وضعیت کنونی تقسیم کار در منزل از نظر فرد *** من بیشتر کارها را انجام می‌دهم |
| | ۳۳/۴ | ۳۲/۶ | هر دو به طور مساوی کارها را تقسیم می‌کنیم |
| | ۶۳/۳ | ۵/۲ | همسر من بیشتر کارها را انجام می‌دهد |
| <۰/۰۰۱ | ۲/۳ | ۶۲/۰ | وضعیت کنونی مراقبت از کودک در منزل از نظر فرد *** من بیشتر کارها را انجام می‌دهم |
| | ۲۷/۹ | ۳۳/۵ | هر دو به طور مساوی کارها را تقسیم می‌کنیم |
| | ۶۹/۸ | ۴/۵ | همسر من بیشتر کارها را انجام می‌دهد |

در حالیکه ترجیحات باروری مردان با وضعیت تقسیم کارهای منزل ارتباط معنی داری را نشان نداد، اما جالب این است که در باره وضعیت تقسیم کار در نگهداری از فرزندان، مردانی که مسئولیت کمتری در نگهداری از فرزندان خود بر عهده دارند، در مقایسه با سایر پاسخگویان مرد، خواهان فرزندان بیشتری هستند (۱/۸ فرزند در برابر ۱/۶ و ۱/۷ فرزند). هر چند تعداد نمونه در این گروه نیز کم بوده و نتیجه گیری با احتیاط باید صورت گیرد. در واقع نوعی رابطه U شکل بین ترجیحات باروری و تقسیم کار در منزل و در مراقبت از کودک در هر دوی زنان و مردان دیده میشود. بخصوص شدت رابطه U شکل در زنان بیشتر از مردان است، بطوریکه زنانی که اظهار نمودند که بیشتر کارها را زن در خانه بعهده دارد و یا برعکس مرد به عهده دارد، بیشترین ترجیح باروری را دارند و همچنین زنانی که اظهار داشته اند، بیشتر مراقبت از کودک توسط زن انجام میشود و یا توسط مرد انجام میشود، ترجیحات باروری بیشتر دارند نسبت به زنانی که تساوی در تقسیم کار جنسیتی در مراقبت از کودک را گزارش کردند.



شکل ۱. رابطه بین ترجیحات باروری و نگرش جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی (رابطه u شکل)

نقش تعیین کننده نگرش جنسیتی در ترجیحات باروری زنان و مردان

به منظور سنجش نقش تعیین کننده یا پیش بینی کننده ی متغیرهای نگرش جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی بر ترجیحات باروری، متغیرهای فوق، در مدل های تحلیل چند متغیره لگاریتم پواسون با سه مدل مختلف وارد شدند. داده های مربوط به مدل های چند متغیره در مورد ترجیحات باروری زنان نشان می دهد که اگرچه مدل های برازش شده با متغیرهای جنسیتی (نگرش ها به تقسیم کار و وضعیت تقسیم کار در منزل) و متغیرهای زمینه ای (تحصیلات و وضعیت شغلی) از نظر آماری قابل قبول هستند، اما ورود متغیر هنجار فرزندآوری در خانواده به مدل سوم، بهبود قابل توجهی در پیش بینی مدل ترجیح باروری را ایجاد می کند (تغییرات آماره برازش مدل از ۵۳/۹۳ به ۵۸/۴۳ و سپس به ۱۱۰/۳). درباره کنترل تاثیر سن فرد و سن همسر، اگرچه در تحلیل میانگین ها بر حسب متغیرهای منفرد، متغیر سن تفاوت معنادار داشته، اما در فرآیند مدل سازی چند متغیره مشاهده شد که با ورود متغیر تحصیلات، متغیر سن رابطه معنادار خود را با متغیر تابع از دست می دهد و بهبودی در مدل ایجاد نمی کند. لذا تنها متغیرهای کنترل تحصیلات و اشتغال در مدل باقی ماندند و به تبیین متغیر تابع در مدل چند متغیره کمک کردند.

یافته ها در مدل اول و دوم نشان دهنده این است که نگرش سنتی به تقسیم کار جنسیتی، پس از کنترل اثر تحصیلات و اشتغال نقش تعیین کننده معنی داری در بالا بودن ترجیحات باروری در زنان دارد در حالیکه در مدل سوم، با ورود هنجارهای باروری در خانواده و جامعه، نقش مهم نگرش جنسیتی در تعیین کنندگی ترجیحات باروری از بین می رود. در مدل نهایی، "برخورداری از تحصیلات بالاتر" و "شاغل بودن زنان" تعیین کننده مهم و معنی دار کاهش ترجیحات باروری بوده و "هنجارهای باروری بالا در خانواده" تعیین کننده معنی دار مهم در افزایش ترجیحات باروری بوده است. شایان توجه است که در مدل اول که هنوز متغیرهای وضعیت شغلی و هنجارهای فرزندآوری به مدل اضافه نشده اند، "برخورداری از نگرش سنتی به تقسیم جنسیتی کار" بین زن و مرد (اختصاصی دانستن خانه داری برای زنان) با افزایش ترجیحات باروری زنان مرتبط است (نسبت بختهای ۱/۱۱) که احتمالاً متأثر از فراوانی زنان خانه دار در این گروه است. در واقع ترجیحات باروری زنانی که نگرش سنتی به تقسیم کار جنسیتی دارند، ۱٫۱ برابر ترجیحات زنان با نگرش غیر سنتی به تقسیم کار جنسیتی است پس از کنترل اثر تحصیلات.

نتایج مدل‌های چند متغیره در مورد ترجیحات باروری مردان نشان داد که مدل‌های برازش داده شده با متغیرهای جنسیتی (نگرش‌ها به تقسیم کار و وضعیت تقسیم کار در منزل) و متغیرهای زمینه‌ای (تحصیلات و وضعیت شغلی) از نظر آماری در حدضعیفی قابل قبول هستند و تنها پس از ورود متغیرهای هنجاری فرزندآوری تاحدی بهبود می‌یابند (تغییرات آماره برازش مدل از ۱۳/۱۸ در مدل اول به ۶۳/۵). شایان توجه است که در مدل‌های اولیه، متغیر تحصیلات مردان، اگرچه در حدضعیف، کاهش ترجیحات باروری مردان را پیش بینی می‌کند، ولی در مردان، نگرش جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی به عنوان عوامل تعیین‌کننده ترجیحات باروری پس از کنترل اثر سایر متغیرهای مهم ظاهر نشدند.

جدول ۳. تحلیل چندمتغیره ترجیحات باروری زنان بر حسب متغیرهای جنسیتی با کنترل متغیرهای زمینه‌ای و هنجاری

| متغیرهای مستقل | مدل ۱ | | | مدل ۲ | | | مدل ۳ | | |
|---------------------------------------|---------------|---------------------|------------|---------------|---------------------|------------|---------------|---------------------|------------|
| | ضریب رگرسیونی | فاصله اطمینان کمینه | نسبت بختها | ضریب رگرسیونی | فاصله اطمینان کمینه | نسبت بختها | ضریب رگرسیونی | فاصله اطمینان کمینه | نسبت بختها |
| ثابت رگرسیونی | ۰/۸۳** | ۰/۷۰ | ۲/۳۰ | ۰/۸۳** | ۰/۷۰ | ۲/۳۰ | ۰/۴۱** | ۰/۲۳ | ۱/۵۱ |
| نگرش سنتی به تقسیم جنسیتی کار | ۰/۱۰** | ۰/۰۴ | ۱/۱۱ | ۰/۰۹** | ۰/۰۲ | ۱/۰۹ | ۰/۰۶ | ۰/۰۰ | ۱/۰۶ |
| نگرش غیرسنتی به تقسیم جنسیتی کار | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ |
| تقسیم سنتی کارهای منزل (بیشتر زن) | ۰/۰۴ | -۰/۰۲ | ۱/۰۵ | ۰/۰۳ | -۰/۰۴ | ۱/۰۲ | ۰/۰۰ | -۰/۰۶ | ۱/۰۰ |
| تقسیم غیرسنتی کارهای منزل (بیشتر مرد) | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ |
| تحصیلات | -۰/۰۲** | -۰/۰۳ | -۰/۰۱ | -۰/۰۲** | -۰/۰۳ | -۰/۰۱ | -۰/۰۱** | -۰/۰۲ | ۰/۹۹ |
| شاغل یا دانشجو | --- | --- | --- | -۰/۰۹* | -۰/۱۷ | -۰/۰۲ | -۰/۱۰** | -۰/۱۷ | ۰/۹۰ |
| خانه دار | --- | --- | --- | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ |
| هنجار باروری در خانواده | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۰/۱۰** | ۰/۰۶ | ۱/۱۱ |
| هنجار باروری در جامعه | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۰/۰۵ | ۰/۰۰ | ۱/۰۵ |
| مقیاس دویانس | ۰/۲۳ | --- | --- | ۰/۲۳ | --- | --- | --- | ۰/۲۱ | --- |
| آماره نسبت درست - نمایی مدل | ۵۳/۹۳** | --- | --- | ۵۸/۴۳** | --- | --- | ۱۱۰/۳** | --- | --- |

*P-value<0.05, **P<0.01, ***P<0.001

مدل‌های چندمتغیره در مورد ترجیحات باروری زوج‌ها نشان می‌دهد که اگرچه مدل‌های برازش شده با متغیرهای جنسیتی (نگرش‌ها به تقسیم کار جنسیتی و وضعیت تقسیم کار در منزل) و متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت شغلی زوج) از نظر آماری در حد قابل قبولی هستند، اما

نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری ... ۱۱۷

پس از ورود متغیرهای هنجار باروری، در حد قابل توجهی بهبود می‌یابند (تغییرات آماره برازش مدل از ۹۷/۳۸ در مدل اول به ۱۵۸/۶ در مدل سوم). در مدل اول، ترجیحات باروری زوج سنتی ۱،۰۷ برابر زوج برابرطلب جنسیتی است، اگرچه شدت معنی‌داری مرزی است (OR=1.07, P<0.05). مدل نهایی ترجیحات باروری زوج‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای متوسط سالهای تحصیل زوج و وضعیت شغلی زوج پیش‌بینی‌کننده‌های کاهش ترجیحات باروری زوج هستند و متغیرهای هنجارهای باروری در خانواده و جامعه، پیش‌بینی‌کننده‌های افزایش ترجیحات باروری زوج‌ها به شمار می‌روند (جدول آورده نشده است).

جدول ۴. تحلیل چندمتغیره ترجیحات باروری مردان بر حسب متغیرهای جنسیتی با کنترل متغیرهای زمینه‌ای و هنجاری

| متغیرهای مستقل | مدل ۱ | | | مدل ۲ | | | مدل ۳ | | |
|---------------------------------------|---------------|---------------|--------|---------------|---------------|--------|---------------|---------------|--------|
| | ضریب رگرسیونی | فاصله اطمینان | | ضریب رگرسیونی | فاصله اطمینان | | ضریب رگرسیونی | فاصله اطمینان | |
| | | کمینه | پیشینه | | کمینه | پیشینه | | کمینه | پیشینه |
| ثابت رگرسیونی | ۰/۷۵** | ۰/۵۴ | ۰/۹۶ | ۰/۷۵ | ۰/۴۷ | ۰/۷۵ | ۰/۷۵ | ۰/۴۸ | ۰/۸۹ |
| نگرش سنتی به تقسیم جنسیتی کار | ۰/۰۵ | -۰/۰۵ | ۰/۱۵ | ۰/۱۶ | ۰/۰۵ | ۰/۰۵ | ۰/۰۵ | -۰/۰۷ | ۰/۰۲ |
| نگرش غیرسنتی به تقسیم جنسیتی کار | ۰/۰۰ | --- | --- | --- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | --- | ۱/۰۰ |
| تقسیم سنتی کارهای منزل (بیشتر زن) | ۰/۰۳ | -۰/۰۷ | ۰/۱۳ | ۰/۱۴ | ۰/۰۴ | ۰/۰۴ | ۰/۰۳ | -۰/۰۸ | ۰/۰۲ |
| تقسیم غیرسنتی کارهای منزل (بیشتر مرد) | ۰/۰۰ | --- | --- | --- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | ۱/۰۰ | --- | ۱/۰۰ |
| تحصیلات | -۰/۰۲* | -۰/۰۳ | ۰/۰۰ | -۰/۰۳ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | -۰/۰۳ | -۰/۰۱ | ۰/۰۹ |
| شاغل یا دانشجوی | --- | --- | --- | --- | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۳* | ۰/۲۶ | ۱/۳۰ |
| بیکار | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۰/۰۰ | ۱/۰۰ |
| هنجار باروری در خانواده | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۰/۱۱** | ۱/۱۲ |
| هنجار باروری در جامعه | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۰/۱۲** | ۱/۱۲ |
| مقیاس دویانس | ۰/۳۰ | --- | --- | --- | --- | --- | --- | ۰/۲۶ | --- |
| آماره نسبت درست - نمایی مدل | ۱۳/۱۸** | --- | --- | ۱۴/۱۱** | --- | --- | --- | ۶۳/۵** | --- |

*P-value<0.05, **P<0.01, ***P<0.001

رابطه نگرش و تقسیم کار جنسیتی با نیات باروری

در این پژوهش از پاسخگویان سوال شد که آیا در باره تعداد فرزندان که قصد دارند داشته باشند با همسر خود مشورت کرده‌اند؟ و در صورتی که مشورت کرده‌اند شمار فرزندان که

قصد دارند داشته باشند چندتاست؟. ۵۵۴ نفر از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که در باره نیت باروری خود با همسر خود مشورت کرده‌اند.

جدول ۵. نیت باروری پاسخگویان بر حسب متغیرهای جنسیتی به تفکیک جنس

| کل | | مرد | | زن | | متغیرهای جنسیتی |
|---|-----|-------|---------|-------|---------|---|
| | | تعداد | میانگین | تعداد | میانگین | |
| نگرش فرد در مورد تقسیم جنسیتی کار بین زن و مرد | | | | | | |
| ۱/۷۸ | ۲۳۴ | ۱/۷۴ | ۱۱۷ | ۱/۸۱ | ۱۱۷ | فقط مرد کار کند و زن خانه دار باشد(سنتی) |
| ۱/۷۱ | ۲۰۶ | ۱/۶۹ | ۸۵ | ۱/۷۲ | ۱۲۱ | هر دو کار کنند ، ولی زن نیمه وقت کار کند(بینابین) |
| ۱/۷۶ | ۱۰۷ | ۱/۷۸ | ۴۶ | ۱/۷۴ | ۶۱ | مشارکت برابر دو جنس در کار منزل و کار بیرون |
| ۱/۷۵ | ۵۴۷ | ۱/۷۳ | ۲۴۸ | ۱/۷۶ | ۲۹۹ | کل |
| آزمون آماری | | ۰/۸۰ | | ۰/۵۴ | | |
| نگرش همسر در مورد تقسیم جنسیتی کار بین زن و مرد | | | | | | |
| ۱/۷۹ | ۲۳۴ | ۱/۷۷ | ۸۷ | ۱/۸۰ | ۱۴۷ | فقط مرد کار کند و زن خانه دار باشد |
| ۱/۶۹ | ۲۱۳ | ۱/۷۲ | ۱۰۰ | ۱/۶۸ | ۱۱۳ | هر دو کار کنند ، ولی زن نیمه وقت کار کند |
| ۱/۷۷ | ۹۸ | ۱/۷۰ | ۵۹ | ۱/۸۷ | ۳۹ | مشارکت برابر دو جنس در کار منزل و کار بیرون |
| ۱/۷۴ | ۵۴۵ | ۱/۷۳ | ۲۴۶ | ۱/۷۶ | ۲۹۹ | کل |
| آزمون آماری | | ۰/۸۲ | | ۰/۲۱۸ | | |
| وضعیت کنونی تقسیم کار در منزل | | | | | | |
| ۱/۷۸ | ۳۳۳ | ۱/۷۴ | ۱۵۲ | ۱/۸۲ | ۱۸۱ | زن بیشتر کارها را انجام می‌دهد |
| ۱/۶۷ | ۱۹۵ | ۱/۷۰ | ۸۹ | ۱/۶۴ | ۱۰۶ | هر دو به طور مساوی کارها را تقسیم می‌کنند |
| ۲/۰۰ | ۲۲ | ۲/۰۰ | ۹ | ۲/۰۰ | ۱۳ | مرد بیشتر کارها را انجام می‌دهد |
| ۱/۷۵ | ۵۵۰ | ۱/۷۳ | ۲۵۰ | ۱/۷۶ | ۳۰۰ | کل |
| آزمون آماری | | ۰/۵۱ | | ۰/۰۴ | | |
| وضعیت کنونی مراقبت از کودک در منزل | | | | | | |
| ۱/۷۹ | ۳۴۵ | ۱/۷۶ | ۱۶۵ | ۱/۸۳ | ۱۸۰ | زن بیشتر مراقبت می‌کند |
| ۱/۶۸ | ۱۸۵ | ۱/۷۰ | ۷۷ | ۱/۶۶ | ۱۰۸ | هر دو به طور مساوی مراقبت می‌کنند |
| ۱/۶۵ | ۲۰ | ۱/۵۰ | ۸ | ۱/۷۵ | ۱۲ | مرد بیشتر مراقبت می‌کند |
| ۱/۷۵ | ۵۵۰ | ۱/۷۳ | ۲۵۰ | ۱/۷۶ | ۳۰۰ | کل |
| آزمون آماری | | ۰/۵۸ | | ۰/۱۱ | | |

نتایج جدول ۵ نشان داد که بین نیت باروری پاسخگویان زن و مرد و نگرش آنها و همسرانشان در مورد تقسیم جنسیتی کارها بین زنان و مردان تفاوت معنادار وجود ندارد. تنها

استثنا در مورد متغیر وضعیت تقسیم کار در منزل با نیات باروری زنان پاسخگو است که رابطه معنی دار دارد، به این صورت که زنانی که همسرشان بیشتر کارهای منزل آنها را انجام می دهند، در مقایسه با سایر زنان با تقسیم کار سنتی، از نیات باروری بالاتری برخوردار هستند (۱,۸۲ در برابر ۱,۶۴، $P=0.04$). در زمینه تاثیر متغیر وضعیت تقسیم کار در مراقبت از فرزندان در ایجاد تمایز در نیات باروری مردان و زنان نتایج معناداری مشاهده نشد.

نیات باروری زنان از وضعیت شغلی خود آنها نیز متاثر است. زنانی که دانشجو و یا شاغل هستند در مقایسه با زنان خانه دار از نیات باروری پایین تری برخوردار هستند. همچنین مردانی که همسر آنها دانشجو یا شاغل هستند، در مقایسه با مردانی که همسر آنها خانه دار است، از نیات باروری پایین تری برخوردار هستند.

به منظور بررسی نقش تعیین کننده نگرش و تقسیم کار جنسیتی بر نیات باروری پاسخگویان زن و مرد، نگرش و تقسیم کار جنسیتی پس از کنترل سایر متغیرهای مهم در نیات باروری مانند متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و هنجاری به ترتیب در مدل های تحلیل چند متغیره لگاریتم خطی پواسون وارد شدند. نتایج نشان می دهد که در زنان نگرش و تقسیم کار جنسیتی بعنوان تعیین کننده معنی دار ترجیح باروری در هیچ مدل معنی دار نبودند. اگرچه مدل های برازش شده با متغیرهای جنسیتی (نگرش ها به تقسیم کار و وضعیت تقسیم کار در منزل) و متغیرهای زمینه ای (تحصیلات و وضعیت شغلی) از نظر آماری قابل قبول هستند اما ورود متغیر هنجار فرزندآوری در خانواده، بهبود قابل توجهی در مدل ایجاد می کند (تغییرات آماره برازش مدل از ۲۵/۲ به ۶۵/۹). نتایج در مدل نهایی زنان نشان می دهد که سالهای تحصیلات و وضعیت اشتغال زنان با کاهش نیات باروری ارتباط دارد و وجود هنجارهای باروری بالا در خانواده و جامعه پیش بینی کننده نیات باروری بالاتر در زنان است.

جدول ۶. تحلیل چندمتغیره نیت باروری زنان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای، نگرش جنسیتی و هنجارها

| متغیرهای مستقل | مدل ۱ | | | مدل ۲ | | | مدل ۳ | | | | | |
|----------------------------------|-----------------|---------------|--------|-----------------|---------------|--------|-----------------|---------------|---------|-------|-------|------|
| | ضریب رگرسیون | فاصله اطمینان | | ضریب رگرسیون | فاصله اطمینان | | ضریب رگرسیون | فاصله اطمینان | | | | |
| | | کمینه | بیشینه | | کمینه | بیشینه | | کمینه | بیشینه | | | |
| ثابت رگرسیونی | ۰/۹۳** | ۰/۷۳ | ۱/۱۲ | ۲/۵۲ | ۰/۹۱** | ۰/۷۱ | ۱/۱۱ | ۲/۴۸ | ۰/۴۳** | ۰/۱۷ | ۰/۶۸ | ۱/۵۳ |
| نگرش سنتی به تقسیم جنسیتی کار | ۰/۰۰ | -۰/۰۹ | ۰/۰۸ | ۱/۰۰ | -۰/۰۴ | -۰/۱۳ | ۰/۰۵ | ۰/۹۶ | -۰/۰۶ | -۰/۱۴ | ۰/۰۳ | ۰/۹۴ |
| نگرش غیرسنتی به تقسیم جنسیتی کار | ۰/۰۰ | -- | -- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | -- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | -- | -- | -- | ۱/۰۰ |
| تقسیم سنتی کارهای منزل | ۰/۰۶ | -۰/۰۲ | ۰/۱۵ | ۱/۰۶ | ۰/۰۳ | -۰/۰۶ | ۰/۱۲ | ۱/۰۳ | ۰/۰۱ | -۰/۰۷ | ۰/۰۹ | ۱/۰۱ |
| تقسیم غیرسنتی کارهای منزل | ۰/۰۰ | -- | -- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | -- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | -- | -- | -- | ۱/۰۰ |
| تحصیلات | ۰/۰۳** | -۰/۰۴ | -۰/۰۲ | ۰/۹۷ | -۰/۰۲ | -۰/۰۲ | ۰/۰۰ | ۰/۹۸ | -۰/۰۱* | -۰/۰۳ | ۰/۰۰ | ۰/۹۸ |
| شاغل یا دانشجوی | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ۰/۸۶ | -۰/۱۶** | -۰/۲۵ | -۰/۰۶ | ۰/۸۵ |
| نحانه دار | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | -- | -- | ۱/۰۰ |
| هنجار باروری در خانواده | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ۰/۰۹** | ۰/۰۴ | ۰/۱۴ | ۱/۱۰ |
| هنجار باروری در جامعه | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ----- | ۰/۰۸** | ۰/۰۲ | ۰/۱۴ | ۱/۰۸ |
| مقیاس دوپانس | ۰/۲۳ | -- | -- | ----- | ۰/۲۳ | -- | -- | ----- | ۰/۲۰ | -- | -- | -- |
| آماره نسبت درست - نمایی مدل | ۲۵/۲۱** | -- | -- | ----- | ۳۱/۰۸** | -- | -- | ----- | ۶۵/۹۵** | -- | -- | -- |

نتایج مدل‌های چند متغیره در مورد نیت باروری مردان نیز نشان می‌دهد که نگرش و تقسیم کار جنسیتی در مردان نقش تعیین‌کننده معنی‌دار در نیت باروری مردان ندارد. اگرچه مدل‌های برازش شده با متغیرهای جنسیتی (نگرش‌ها به تقسیم کار و وضعیت تقسیم کار در منزل) و متغیرهای زمینه‌ای (تحصیلات و وضعیت شغلی) از نظر آماری قابل قبول هستند، اما ورود متغیر هنجار فرزندآوری خانواده، بهبود قابل توجهی در مدل ایجاد می‌کند (تغییرات آماره برازش مدل از ۱۳/۶۴ در مدل اول به ۴۲/۵۵ در مدل نهایی). نتایج مدل نهایی نیت باروری مردان نشان می‌دهد که متغیرهای هنجار باروری در خانواده و جامعه، پیش‌بینی‌کننده افزایش نیت باروری مردان و متغیر افزایش تحصیلات، پیش‌بینی‌کننده کاهش نیت باروری آنهاست.

نقش نگرش و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری ... ۱۲۱

جدول ۷. تحلیل چندمتغیره نیات باروری مردان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای، نگرش جنسیتی و هنجارها

| متغیرهای مستقل | مدل ۱ | | | مدل ۲ | | | مدل ۳ | | |
|----------------------------------|-----------------|---------------|--------|-----------------|---------------|---------|-----------------|---------------|--------|
| | ضریب رگرسیون | فاصله اطمینان | | ضریب رگرسیون | فاصله اطمینان | | ضریب رگرسیون | فاصله اطمینان | |
| | | کمینه | بیشینه | | کمینه | بیشینه | | کمینه | بیشینه |
| ثابت رگرسیونی | ۰/۹۵** | ۰/۷۱ | ۱/۱۹ | ۲/۶۰ | ۰/۶۱** | ۰/۶۱** | ۰/۹۴ | ۰/۷۱ | ۱/۱۹ |
| نگرش سنتی به تقسیم جنسیتی کار | -۰/۰۶ | -۰/۱۸ | -۰/۰۵ | ۰/۹۴ | -۰/۰۴ | -۰/۰۴ | -۰/۰۶ | -۰/۱۷ | -۰/۰۵ |
| نگرش غیرسنتی به تقسیم جنسیتی کار | ۰/۰۰ | -- | -- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | -- | -- |
| تقسیم سنتی کارهای منزل | -۰/۰۱ | -۰/۱۳ | ۰/۱ | ۰/۹۸ | -۰/۰۲ | -۰/۰۲ | -۰/۰۱ | -۰/۱۵ | -۰/۰۷ |
| تقسیم غیرسنتی کارهای منزل | ۰/۰۰ | -- | -- | ۱/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | -- | -- |
| تحصیلات | -۰/۰۳** | -۰/۰۴ | -۰/۰۱ | ۰/۹۷ | -۰/۰۳** | -۰/۰۳** | -۰/۰۳** | -۰/۰۴ | -۰/۰۱ |
| شاغل یا دانشجوی | -- | -- | -- | -- | ۰/۳۴* | ۰/۰۰ | ۰/۳۰ | -۰/۰۳ | ۰/۶۳ |
| بیکار | -- | -- | -- | -- | ۰/۰۰ | -- | ۱/۰۰ | -- | -- |
| هنجار باروری در خانواده | -- | -- | -- | -- | -- | -- | ۰/۱۰** | ۰/۰۳ | ۰/۱۶ |
| هنجار باروری در جامعه | -- | -- | -- | -- | -- | -- | ۰/۱۰** | ۰/۰۴ | ۰/۱۷ |
| مقیاس دویانس | ۰/۲۶ | -- | -- | -- | ۰/۲۶ | -- | -- | -- | -- |
| آماره نسبت درست - نمایی مدل | ۱۳/۶۴** | -- | -- | -- | ۱۵/۲۰** | -- | -- | ۴۲/۵۵** | -- |

نتایج مدل سوم تحلیل چندمتغیره نیات باروری زوجها نشان می‌دهد زوج‌هایی که هر دو سنتی هستند، پس از کنترل سایر عوامل، بطور معنی‌داری نیات باروری کمتری دارند تا زوج تساوی طلب. لذا به نظر می‌رسد اگر هر دو زوج تساوی طلب باشند، حمایت بیشتری در سازگاری بین کار و فرزندآوری از یکدیگر دریافت می‌کنند و نیات باروری بالاتری دارند. اگرچه مدل‌های برازش شده با متغیرهای جنسیتی (نگرش‌ها به تقسیم کار و وضعیت تقسیم کار در منزل) و متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت شغلی زوج) از نظر آماری در حد قابل قبولی هستند، اما پس از ورود متغیرهای هنجاری فرزندآوری، در حد قابل توجهی بهبود می‌یابند (تغییرات آماره برازش مدل از ۴۸/۷ در مدل اول به ۸۰/۷ در مدل سوم). نتایج همچنین گویای آنست که از میان متغیرهای زمینه‌ای، متغیرهای تحصیلات و وضعیت شغلی زوج با کاهش نیات باروری رابطه معنادار دارند. متقابلاً وجود هنجارهای باروری بالادر خانواده و جامعه، در حد ضعیفی نیات باروری زوجها را افزایش می‌دهند (تغییرات نسبت بختها از ۱ به ۱/۰۷ و ۱/۰۹).

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، نقش باورها و تقسیم کار جنسیتی در ترجیحات و نیات باروری زنان و مردان دارای یک فرزند زیر ۵ سال که به درمانگاه‌های واکسیناسیون شهر تهران در سال ۱۳۹۱ مراجعه کرده بودند، بررسی گردید. یکی از مهمترین نتایج این تحقیق ارتباط U شکل بین ترجیحات باروری و تقسیم کار جنسیتی در منزل در بین زنان بود. به این معنی که ترجیحات باروری هم در زنانی که خود سهم بیشتر کارهای منزل را بر عهده داشتند و زنانی که همسرانشان سهم مهمی از کارهای منزل را بر عهده داشتند، بیشتر از زنانی بود که بطور مساوی کارها بین دو جنس تقسیم می‌شود. رابطه مشابه U شکل هم در مردان و هم در زنان درخصوص تقسیم کار در نگهداری از فرزند دیده شد. این رابطه می‌تواند به این دلیل باشد که زنانی که خود سهم مهمی در انجام کارهای منزل را بر عهده دارند سنتی‌تر بوده و خانه‌دار هستند و مردان آنان تنها نان‌آور خانوار هستند. این زنان ترجیحات باروری بیشتری بطور طبیعی دارند و برعکس زنانی که مردان آنها سهم مهمی در کارهای منزل دارند، این زوج‌ها احتمالا نگرشهای مدرن داشته و بخصوص اگر شاغل باشند، بعزت اطمینان از حمایت همسر و امکان سازگاری بین فرزندآوری و کار، ترجیحات باروری بالاتری دارند. این ارتباط U شکل در مطالعه‌ی دیگری در سال ۲۰۰۴ در احتمال فرزند دوم بر اساس تقسیم کار در سطح فردی دیده شد، بطوریکه هم زوج‌های سنتی که زن بیشترین سهم را در کارهای منزل داشت و زوج‌های مدرن که مرد سهم بالایی در انجام وظایف منزل داشت، بیشتری احتمال داشت فرزند دوم را بیاورند در مقایسه با گروهی که فقط بخشی از کارهای منزل را بر عهده داشتند (تور و شورت^۱، ۲۰۰۴).

یکی از نتایج مهم این بررسی، افتراق بین زنان و مردان در نگرش‌های جنسیتی مربوط به وضعیت اشتغال زنان و مردان و میزان مشارکت همسران در کار بیرون و کار منزل است. بطوریکه زمانی که افراد نگرش خود را در مورد اشتغال زنان و مشارکت زنان و مردان در کارهای منزل گزارش می‌کردند، خیلی اختلاف معنی‌داری بین دو جنس وجود نداشت، بطوریکه سهم بیشتری از هر دو جنس نگرش سنتی گزارش کردند و سهم کمتری، نگرش کار تساوی طلبانه (اشتغال هر دوی زن و مرد و کار نیمه وقت زنان در بیرون) (حالت بینابینی) و درصد خیلی کمتری تساوی دو

جنس هم در کار بیرون و هم در کار منزل را نشان دادند. در حالیکه زمانی که از زنان و مردان در مورد نگرش جنسیتی همسران آنها سوال شد، زنان بطور معنی داری نگرش جنسیتی همسران خود را سنتی تر ارزیابی کرده و برعکس مردان، نگرش جنسیتی همسران خود را بیشتر بینابینی و برابرطلبانه گزارش کردند. این یافته می تواند موید نوعی فاصله و شکاف باشد بین نگرشی که گزارش می شود و آنچه که در عمل رفتار می شود و توسط همسران برداشت می شود. به نظر می رسد در زنان نگرش های بینابینی یعنی داشتن سهم در کار منزل و کار بیرون ولی کار نیمه وقت بیرون و نگرش برابرطلبانه جنسی (کار بیرون و منزل مساوی با مردان) بیشتر است، زیرا این نوع نگرش ها منافع بیشتری برای آنها دارد و زنان می توانند اهداف فردی خود را نیز همزمان با کارهای منزل، در محیط اجتماعی دنبال نمایند. این موضوع بخصوص در مورد زنان شاغل و یا زنانی که تمایل به اشتغال دارند، بیشتر موضوعیت می یابد. این یافته در راستای دیدگاه بولزندال و مایرز^۱ (۲۰۰۴) است که معتقد بودند افراد زمانی به تساوی جنسیتی روی می آورند که آنها را در دستیابی به اهداف فردی کمک کند.

یکی دیگر از یافته های مهم این تحقیق این بود که زنانی که مردان آنها نگرش سنتی داشتند، بطور معنی داری، میانگین ترجیحات باروری بالاتری داشتند، نسبت به بقیه زنان (۱،۹۱ در برابر ۱،۶۸ و ۱،۷۷، $P < 0.001$) در حالیکه برعکس این موضوع در مردان صادق نبود، یعنی در مردانی که زنان آنها نگرش سنتی تر داشتند، میانگین ترجیحات باروری بطور معنی دار بالاتر نبود ($P = 0.17$). این امر می تواند بیانگر اهمیت بیشتر نگرش مردان در ترجیح باروری در زنان باشد تا نگرش وایدئولوژی جنسیتی خود زنان. این یافته موید نتیجه یک بررسی مروری است مبنی بر اینکه ایدئولوژی جنسیتی مردان نقش تعیین کنندگی مهمتری برای شیوه تقسیم کار منزل است تا ایدئولوژی جنسیتی زنان (کروسکا^۲، ۲۰۰۴)، لذا می توان نتیجه گیری کرد که نیات باروری زنان، بیشتر متأثر از دیدگاه جنسیتی همسران آنان به همراه دیدگاه جنسیتی خود آنها باشد تا متأثر از دیدگاه جنسیتی خودشان به تنهایی. زنانی که همسران آنها سهم بیشتری از کارهای منزل را بعهده می گیرند، که سهم کمی از کل است، دارای ترجیح باروری بالاتری از سایر زنان است که یا خود بیشتر کارهای منزل را انجام می دهند و افرادی که

1- Bolzendahl & Myers

2- Kroska,

تساوی در تقسیم کار با همسر دارند. درحالیکه ترجیحات باروری در مردان رابطه معنی داری با تقسیم کار در منزل نداشت.

یافته مهم دیگر در مورد تقسیم کار در مراقبت از کودک در منزل و ترجیحات باروری این بود که زنانی که از حمایت بیشتر همسر برخوردار می‌شوند، بطور معنی داری ترجیحات باروری بالاتری دارند و همچنین مردانی که زنان آنها سهم بیشتری در مراقبت از کودک دارند، ترجیحات باروری بالاتری دارند نسبت به مردانی که خود سهم بیشتری داشته و یا بطور مساوی تقسیم می‌کنند. به نظر می‌رسد مراقبت از کودک در نظر مردان پذیرش پائین‌تری دارد تا انجام کارهای منزل. این نتایج اهمیت مشارکت همسران در ترجیحات باروری را نشان می‌دهد. مطالعه‌ای در ایتالیا و اسپانیا نشان داد که وقتی پدران نقش مهمی در فعالیتهای نگهداری از کودک اول را بر عهده بگیرند، انتقال به تولد دوم سریع‌تر اتفاق می‌افتد (کوک^۱، ۲۰۰۳)، همچنین مشارکت پدر در کارهای منزل و نگهداری از کودک بطور معنی داری قصد داشتن فرزند دوم را برای زنان شاغل افزایش می‌دهد (پنلی و فیوری^۲، ۲۰۰۸).

همچنین این مطالعه، افتراق جنسیتی واضحی در باورهای جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی را نشان داد، بطوریکه در زنان نشان داده شد که نگرش‌های تساوی‌طلبی جنسیتی نقش تعیین‌کننده‌تری در کاهش ترجیحات باروری آنان دارد این تاثیر حتی پس از کنترل اثر تحصیلات و اشتغال وجود داشت، در حالیکه در مردان این رابطه دیده نشد. لذا اهمیت توجه به جنسیت در مطالعات باروری و همچنین اهمیت زنان و تغییرات دیدگاههای آنان به سوی تساوی دو جنس در تغییرات باروری در جامعه ایران باید بیش از پیش توجه شود.

یکی از یافته‌های مهم این بود که نگرش‌های جنسیتی نه در زنان و نه در مردان با نیات باروری رابطه معنی داری نداشتند، ولی تقسیم کار جنسیتی فقط در زنان با نیات باروری رابطه داشت. این یافته می‌تواند حاکی از این باشد که عوامل مهمتری غیر از نگرش جنسیتی تعیین‌کننده نیات باروری در مردان هستند چنانچه در تحلیل دیگری از همین مطالعه نشان داده شد که در مردان متاهل دارای فرزند، اشتغال و بیکاری عامل تعیین‌کننده مهمی در نیات باروری آنها است بطوریکه مردان بیکار ۷ برابر قصد تک فرزندی بیشتری دارند تا مردان شاغل. ولی

1- Cooke

2- Pennelli & Fiori,

در زنان، فردگرایی با افزایش معنی دار قصد تک فرزندی همراه بوده است (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۱) زنانی که فردگرایی بیشتری دارند، باورهای جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی همسران، آنها را به اهداف خودشان بیشتر نزدیک می‌کند، لذا زنان فردگرا، با دریافت حمایت از همسر در کارهای منزل، قصد باروری بیشتری خواهد داشت نسبت به زنانی که حمایتی دریافت نمی‌کنند.

اهمیت نگرش زوج در ترجیحات باروری نیز در این بررسی نشان داده شد بطوریکه پس از کنترل تحصیلات زوجین، در تحلیل زوجی ترجیحات باروری، نشان داده شد که زوج‌های هر دو سنتی، بطور معنی داری ترجیح باروری بالاتری داشتند نسبت به زوج‌های غیرسنتی. زوج‌های سنتی عمدتاً زوجهایی هستند که زنان خانه دار بوده و وظیفه اصلی خود را خانه‌داری می‌پندارند. این نتیجه قابل انتظار است که زوج‌های سنتی، ترجیحات باروری بالاتری داشته باشند زیرا عموماً افراد سنتی تری بوده و تعداد فرزندان مطلوب آنان بالاتر از زوج‌های مدرن است.

البته قابل ذکر است که انجام تحلیل مشابه در بین زوجهایی که هر دو شاغل هستند با زوج‌هایی که فقط زن شاغل و یا فقط مرد شاغل است، می‌تواند نتایج دقیق‌تری ارائه کند. زیرا شغل زن و یا مرد و میزان ساعاتی که فرد خارج از منزل سپری می‌کند، نقش بسیار مهمی در انتظار همسر از مشارکت در کارهای منزل دارد. زنانی که همسرانشان ساعات کاری طولانی دارند، طبعاً انتظار مشارکت کمتری از آنان در منزل دارند. لذا تحلیل دقیقتر با لحاظ کردن وضعیت اشتغال همسران و ساعات کاری میسر خواهد بود. مطالعات نشان داده‌اند که نابرابری جنسیتی و باروری پایین در جوامع صنعتی از دو طریق با هم ارتباط دارند. یکی نبود موسسات کمک‌کننده به زنان برای ترکیب کار و زندگی خانوادگی و دیگری، تقسیم کار نابرابر در درون خانواده (روسیر^۱، ۲۰۱۲). علی‌رغم بالا بودن سهم زنان در تحصیلات دانشگاهی در ایران، هنوز سهم آنان در نیروی کار خیلی بالا نیست و از این نظر، قابل مقایسه با کشورهای غربی و صنعتی نیست، به نظر می‌رسد با میزان مشارکت کنونی زنان در جامعه ایران، هنوز نابرابری جنسیتی در کارهای منزل نمی‌تواند تعیین‌کننده مهم اصلی برای کاهش باروری در زنان و مردان باشد. ولی در زیر گروهی از جامعه که شامل خانواده‌هایی است که

زنان در آنها شاغل هستند، می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای باشد. بر اساس دیدگاه نظری برابری جنسیتی (مکدونالد^۱، ۲۰۰۰)، می‌توان نتیجه گرفت زنانی که درک آنان از میزان مشارکت همسران خود در کارهای منزل بالا است، می‌توانند سازگاری بین کار و فرزندآوری را ایجاد کنند و ترجیحات باروری و نیت باروری بیشتری خواهند داشت. مطالعه‌ای در ژاپن نشان داد که اکثر زنانی که شغل خود را بدلیل فرزندآوری ترک کرده بودند، بدلیل ناتوانی در انجام همزمان فرزندپروری و کار بیرون این تصمیم را گرفته بودند(هیراو^۲، ۲۰۰۶).

نگرش جنسیتی و تقسیم کار جنسیتی بعنوان عوامل تعیین‌کننده نیت باروری در این مطالعه نشان داده نشدند، درحالی‌که سایر متغیرها مانند تحصیلات، اشتغال و هنجار نقش مهم‌تری در تعیین‌کنندگی نیت باروری داشتند. اما در تحلیل زوجی، بطور غیر منتظره‌ای نشان داده شد که مدرن بودن (غیرسنتی بودن) زوج‌ها، عامل تعیین‌کننده بالا بودن نیت باروری نسبت به زوج‌های سنتی است، این یافته می‌تواند نشانگر اهمیت تعامل زوجین و درک زوجین از میزان مشارکت همسر در تقسیم کار منزل و نوع نگرش تساوی طلبانه، اطمینان خاطر بیشتری برای داشتن فرزند بیشتر به زوج می‌دهد. لذا صرف داشتن نگرش غیرسنتی یا سنتی یک زن یا مرد در نیت باروری فرد موثر نخواهد بود، بلکه سازگاری زوجین در نگرش‌های جنسیتی و برداشت فرد از نوع نگرش همسر و میزان حمایت دریافت شده از همسر، می‌تواند بیشتر در تصمیمات باروری موثر باشد. در واقع باور جنسیتی یکی از زوجین اهمیت ندارد بلکه سازگاری و تعامل با همسر، تعیین‌کننده میزان مشارکت در کارهای منزل و تقسیم کار است (گرین اشتاین^۳، ۱۹۹۶). یکی از محدودیت‌های این مطالعه، تعداد کم نمونه در برخی از زیرطبققات تحلیل بود، مثل تعداد زنانی که همسران آنان سهم بیشتر کارهای منزل را بعهده دارند و یا مردان سهم بیشتر مراقبت از فرزند را به عهده دارند و پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با حجم نمونه بیشتر و مقیاس‌های نگرش و تقسیم کار جنسیتی با گویه‌های بیشتر انجام شود.

1- McDonald
2- Hirao
3- Greenstein

منابع

- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد؟. *فصلنامه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۶-۳.
- رستگار خالد، امیر، میثم محمدی (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان). *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۶، شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۵۹.
- خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده، حسن سرابی (۱۳۹۱). قصد تک فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۵ سال ساکن تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، شماره ۱۳، صص ۱۴۸-۱۱۸.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال، پیتر مکدونالد، میمنت حسینی‌چاوشی، زینب کاوه فیروز (۱۳۸۱). بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روشهای کیفی، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۲۰۳-۱۶۹.
- رازقی نصرآباد، ملیحه علی‌مندگاری، علی محمدی‌پور ندوشن (۱۳۹۴). بررسی تعارض کار و خانواده و رابطه آن با باروری، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱۹، ۱۹۳-۱۶۵.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال، زهره خواجه‌صالحی (۱۳۹۲). سنجش تاثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان). *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۶۴-۴۶.
- مقصودی، سوده، زهرا بستان (۱۳۸۳). بررسی مشکلات ناشی از هم‌زمانی نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان شاغل در شهر کرمان، *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان* (مطالعات زنان)، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۵-۱۲۹.
- موسوی سیده‌فاطمه، مهدیه قافله‌باشی (۱۳۹۲). بررسی جایگاه و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین، *نشریه مطالعات زن و خانواده*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۱۱.
- Ajzen, I., and J. Klobas, (2013). Fertility Intentions; An Approach Based on the Theory of Planned Behavior, *Demographic Research*, 29, Pp. 203-232.
- Bolzendahl, C., and D. J. Myers. (2004). Feminist Attitudes and Support for Gender Equality: Opinion Change in Women and Men, 1974–1998. *Soc. Forces*, 83, Pp. 759-789..
- Cha, Y., and S. Thebaud (2009). Labor Markets, Breadwinning, and Beliefs:

How Economic Context Shapes Men's Gender Ideology, *Gender and Society*, 23(2):215-243.

- Chesnais, J. C. (1999). Determinants of Below Replacement Fertility, *Population Bulletin of the United Nations*, Vol. 40/41, PP. 126-136.
- Cooke, L. P. (2003). The South Revisited: The Division of Labor and Family Outcomes a Italy and Spain, *IRISS Working Paper Series* 2003-12.
- Corrigan, E. A., and M. A. Konrad (2007). Gender Role Attitudes and Careers: A Liogitudinal Study, *Sex Roles*, 56(11-12): 847-855..
- Cunningham, M., A. Beutel, J. Barber, and A. Thornton (2005). Reciprocal Relationships Between Attitudes About Gender and Social Contexts During Young Adulthood, *Social Science Research* 34(4): 862-892
- De Laat, J., and A. S. Sanz (2006). Working women, men's home time and lowest-low fertility, *ISER Working Paper* 2006-23.
- Fraser, N. (1994). After the Family Wage: Gender Equity and the Welfare State, *Political Theory*, 22(4): 591-618.
- Goldstein, J., W. Lutz, and M. R. Testa (2003). The Emergence of Sub-replacement Family Size Ideals in Europe, *Population Research and Policy Review*, 22, Pp. 479-496..
- Greenstein T.N., (1996). Gender Ideology and Perceptions of the Fairness of the Division of Household Labor: Effects on Marital Quality, *Social Forces* 74(3): 1029-1042.
- Hirao, K. (2006). *The Privatized Education Market and Maternal Employment in Japan*. In: *The Political Economy of Japans Low Fertility* , Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- Kroska, A. (2004). Divisions of Domestic Work: Revising and Expanding the Theoretical Explanations, *Journal of Family Issues* 25(7):900-932.
- McDonald, P. (2000). Gender Equality, Social Institutions and The Future Fertility. *Journal of Population Research* 17(1):1-16.
- Mills, M., L. Mencarini, M. L. Tanturri, K. Begall (2008). Gender Equity and Fertility Intentions in Italy and the Netherlands, *Demographic Research*, 18(1):1-28.
- Nordenmark, M., and C. Nyman, (2003). Fair or Unfair? Perceived Fairness of Household Division of Labour and Gender Equality among Women and Men- the Swedish Case, *European Journal of Women's Studies* 10, Pp. 181-209..

- Pennelli, A., and F. Fiori (2008). The Influence of Partner Involvement in Fatherhood and Domestic Tasks on Mothers' Fertility Expectations in Italy. *Fathering: A Journal of Theory, Research and Practice about Men as Fathers*, 6(2): 169-191 .
- Retherford, R., N. Ogawa, and S. Sakamoto (1996). Values and Fertility Change in Japan, *Population Studies*, 50, Pp. 5-25..
- Rindfuss, R., R., and K. L. Brewster (1996). Childrearing and Fertility., Pp.258-89 in *Fertility in the United States: New patterns, New Theories*, ed. John B. Casterline, Ronald D. Lee, and Karen A. Foote. New York: Population Council.
- Rossier, C. (2012). Family Policies, Norms about Gender Roles and Fertility Decisions in France and Germany, *Vienna Yearbook of Population Research*, 9: 259-282.
- Sanz, S., A., (2010). Household Division of Labor and Cross-country Differences in Household Formation Rates, *Journal of Population Economics*, 23, Pp. 225-249..
- Stewart J. (2003). The Mommy Track: the Consequences of Gender Ideology and Aspirations on Age at First Motherhood, *Journal of Sociaology and Social Welfare*, 30(2): 3-30..
- Torr, B. M., and S. E. Short (2004). Second Births and Sceond Shift: A Research Note on Gender Equity and Fertility, *Population and Development Review* 30(1), 109-130.
- Wilkie, J. R. (1993). Changes in U.S. Men's Attitudes toward the Family Provider Role, 1972-1989. *Gender & Society* 7(2): 261-279..
- Zuo, H. (2004). Shifting the Breadwinning Boundary: the Role of Men's Breadwinner Status and Their Gender Ideologies. *Journal of Family Issues* 25(6): 811-832.